

به پاسخ دکتر فرید یونس و همگنان شان  
(آیا ام المومنین عایشه صدیقه دروغ می گفته است؟)



من نوشته های جناب فرید یونس را هیچوقت نمی خوانم زیرا چیزی برای گفتن ندارد و تمام نوشته هایش بر این اساس استوار است که اسلام را که در زمان ما هیچ چیزی غیر از کشتن و قتل غیرمسلمانان و دیگراندیشان، غیر از دهشت و وحشت برای گفتن ندارد، میخواهد نجات دهد. به دوستان توصیه می کنم به جای اینکه نوشته های او و ملای دیگر را بخوانند، به منابع اصلی اسلامی رجوع کنند. این منابع قرآن، احادیث و کتاب های اند که در صدر اسلام نوشته شده اند. اسلام اصلی را می توان در آن منابع یافت.

تمام ملا های لنگی پوش و نکتای پوش در عمل مانند پیامبران غیرمرسل اند که به تفسیر و تاویل و تغییر احادیث و آیات دست آزاد دارند، با این فرق که نمی گویند که آنان پیامبر اند.

زمان آن است که ما خود را از شر هر آیه و حدیث نجات بدهیم. زیرا هم آیات قرآن و احادیث پیمبر که در کتابهای مختلف حدیث روایت شده است مشکل‌گشایی مشکلات امروزی جامعه ما نیست. این آیات و احادیث به خرد، منطق، دانش و اخلاق نیک انسانی و حقوق بشر در تضاد اند.

ما تا چه زمان پیروی آن کسانی باشیم که هزاران سال پیش از ما زیسته اند و آنان به نوبه خود از عنعنه ها و عاداتی پیروی می کردند که هزاران سال پیشتر از آنان، نیاکان شان از آن پیروی می کردند. ما باید امروز از خرد، منطق، دانش و اخلاق و حقوق بشر بهره بگیریم.

بیشترین این آیت ها و حدیث ها آنقدر غیر اخلاقی و غیر انسانی است که از سوی ملا ها و روشنفکران ملا نمای دینی با وجود که صبغه تقدسی داده شده است ولی مورد ماله کشی قرار گرفته اند. این ماله کشی ها تا هنوز هم مردم و جامعه ما را به قهقرای بدبختی و نکبت نگهداشته اند.

حدیثی که عایشه شش ساله بود و با پیمبر یعنی مردی که پنجاه و دو یا پنجاه و سه ساله بود ازدواج کرد نه تنها سنت است بلکه صبغه تقدسی و شرعی نیز دارد. این امر در آن زمان از سوی اعراب رایج بود.

اگر نیک بنگریم الله کعبه، فقط رسوم و عنعنات جامعه عرب را دینی ساخته است نه چیزی دیگری را. کودک‌همسری هم رسم آنان بود که به حکم احادیث دینی شده است.

ما دو قسم ملا داریم یکی ملا ها و مولوی های اند که دین اسلام را همانگونه که هست به مردم تدریس می کنند و نشان میدهند. این ملا ها، ملا های اصیل و راستین دین اسلام اند. آنان شرمی ندارند از اینکه آیات و احادیث غیر اخلاقی و غیر انسانی اند زیرا باور دارند که این آیات از سوی پروردگار جهان نازل شده است و اجرای آن هم یک امر دینی و احکامش نیز تغییرناپذیر است. این ملا ها فکر نمی کنند که ما در جهان دیگری با ارزش های دیگری زندگی می کنیم، مانند طالبان، داعش و گروه های اصیل اسلامی دهشت‌افکن دیگر.

اما ملا های دیگری داریم که بسیار زرنگ و ماله کش اند. این ملا های زرنگ و ملاهای روشنفکر نما از دین همچون وسیله برای دکان دین‌فروشی خویش استفاده می کنند. ملا های زرنگ و زیرک همراه با ملاهای روشنفکر نما و نکتای پوش می دانند که دین شان مملو از هنجار های غیر اخلاقی و انسانی هست، مانند کشتار و جهاد، قتل دیگراندیشان، مسلمان‌سازی اجباری، غنیمت مال و زن غیرمسلمانان، کودک‌همسری و غیره. ولی می کوشند روی آن ماله کشی کنند و خطاها و غلطی های موجود در دین را از طریق ماله کشی و خطاپوشی بپوشانند.

آنان یا معنای آیات را دیگرگون می کنند، یا از آیات قرآن تفسیرهای عجیب و غریب می کنند، یا راویان نخستین اسلام را که همه یاران و نزدیکان محمد بوده اند، به شکل ضمنی دروغگو می خوانند.

آنان کتاب هایی را که نزدیک به زمان زندگی و حیات محمد نوشته شده است، رد می کنند و ادعا می کنند که گویا آن کتاب ها در زمان محمد نوشته نشده است، صدسال یا بعد تر از آن نوشته شده است و ازین رو، نادرست است. ولی خود شان، کتاب های کنونی خود را که هزار یا چند صد سال بعد از آن نوشته اند به خورد مسلمانان می دهند و می گویند که این درست است.

آنان حتا حاضر اند برای نجات اسلام عایشه زن دوست داشتنی محمد را نیز دروغگو ثابت کنند فقط برای اینکه اسلام باید برجا بماند. درحالی اسلام مملو از اصول غیر اخلاقی و انسانی است مانند کودک همسری محمد پیامبر شان.

آیا کسانی که این حدیث را از عایشه شنیده بودند، به او نگفتند که ای عایشه دروغ نگو. به او نمی توانستند بگویند که تو کودک خردسال نبودی. عایشه یک یا دو حدیث روایت نکرده است. وقتی که این حدیث را به دروغ روایت کرده است، با هزاران حدیث دیگر که از او روایت شده است چه کنیم.

آیا کتابهای ششگانه حدیث که به نام صحاح سته یاد می شود، همه دروغ اند؟ اگر دروغ اند، نام صحیح چرا به آن گذاشته اند؟ از روی منطق و خرد اگر یک، دو، سه و بیشتر از حدیث ها دروغ باشند، باید به روی هزاران حدیث دیگر نیز خط بطلان کشید.

اگر احادیث دروغ باشند با آیه های قرآن که به پندار شما از لوح محفوظ و از نزد الله فرورستاده شده است چه کنیم. آیا آیات به خرد و منطق و اخلاق همخوانی دارند؟ آیا زمان آن نیست مانند ملت های دیگر دین را به امر خصوصی مردم تبدیل کنیم و قوانین دنیایی خویش را بر اساس خرد و منطق و دانش امروزین بنا کنیم؟ آیا وقتی آن نیست که از حکومت دینی صرف نظر کنیم تا دیگر ملا و آخوند حاکم نباشد.

البته ملا های نکتای دار با احادیث و آیات بیشتر مشکل دارند تا ملاهای لنگی دار. بی بی عایشه که اکنون به دروغگو بودن متهم است، درست گفته است و تمام محدثان و مفسران کوچکترین شک بر آن چه که او روایت کرده اند نداشته اند.

زیرا در فرهنگ عرب از دواج دختر خردسال با مردان کلانسال رواج داشته است. ماله کشان نمی تواند این را انکار کنند. با رد کردن سن عایشه فرهنگ عرب را نمی توان رد کرد.

الله که پیامبر را فرستاد تا مردم را به راه درست و راست هدایت کند، آیت پشت آیت نازل می کرد، کسی نیست غیر از همان اعراب. زیرا او نتوانست که به مردم بگوید که این عمل کودک همسری نادرست است.

برعکس او آیه نیز فرستاد و عمل کودک همسری را در آیه ۴ سوره طلاق تایید کرد:

وَاللَّائِي يَنَسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضُنَّ وَأَوْلَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا

ترجمه فولادند: و آن زنان شما که از خون دیدن [ماهانه] نومیدند، اگر شك دارید [که خون می بینند یا نه؟] عده آنان سه ماه است، و [دخترانی] که [هنوز] خون ندیده اند [نیز عده شان سه ماه است]، و زنان آبستن مدتشان این است که وضع حمل کنند، و هر کس از خدا پروا دارد [خدا] برای او در کارش تسهیلی فراهم سازد.

درین آیه مراد از دخترانی که هنوز خون ندیده اند، دختران کوچک و زیر سن اند. همان دختران که هنوز به سن حیض هم نرسیده اند. تمام علمای اسلامی متفق القول اند که در اسلام سن از دواج تعیین نشده است. یعنی با دختران زیر سن مانند عایشه نیز از دواج می کرده اند. اما الله با تمام دانای و توانای اش همین عیب را نیز از آنان دور نکرد. نه تنها دور نکرد بلکه با رفتار پیامبر خود آن را برای مسلمانان جاودانه ساخت.

أبي بن كعب گوید: معاذ بن جبل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سؤال کرد که عده زنان در سوره بقره واضح گردیده، بنابراین عده زنانی که حیض نمی شوند و نیز دخترانی که کوچک بوده و حیض نمی گردند و نیز عده زنان باردار و حامل چقدر خواهد بود سپس آیه آیه ۴ سوره طلاق نازل گردید. (به نقل از دانشنامه اسلامی).

حالا می بینیم که در احادیث که دومین منبع حقوقی اسلام است درباره عایشه و سن او چه گفته اند: طبری در جلد چهارم کتاب خود به نام «تاریخ الرسل و الملوک»، در صفحه های ۴۸-۵۱ چنین می نویسد:

عایشه گوید: وقتی خدیجه درگذشت و پیمبر همچنان در مکه بود، خوله دختر حکیم بن امیه بن اوقص که زن عثمان بن مظعون بود، بدو گفت: «ای پیمبر چرا زن نمی گیری؟»

پیمبر گفت: «کرا بگیرم؟»

گفت: «اگر خواهی دوشیزه و اگر خواهی بیوه.»

پیمبر گفت: «دوشیزه کیست؟»

گفت: «دختر کسی که او را از همه مردم بیشتر دوست داری، عایشه دختر ابوبکر.»

پیمبر گفت: بیوه کیست؟

گفت: سوده دختر زمعه بن قیس

به ادامه گفتاورد طبری می نویسد، ابوبکر گفت: مگر عایشه مناسب اوست، عایشه دختر برادر اوست. خوله چون این بشنید پیش پیمبر بازگشت و سخن ابوبکر با وی بگفت.

پیمبر به او گفت: با او بگو که تو در مسلمانی برادر منی و من برادر تو ام و دختر تو مناسب من است.

بخوانید در زیر عایشه چگونه جریان را با نام بردن از نام های مکان، اشخاص، نام بازی و جریان و روند حادثه به شکل واضح و درست بیان می کند.

عایشه گوید: و چون به مدینه رفتیم ابوبکر در سنج، محله بنی حارث بن خزرج، فرود آمد. روزی پیمبر به خانه ما آمد، تنی چند از مردان انصار و چند زن با وی بودند، مادرم پیامد من ننوی بودم و باد می خوردم. مادرم مرا از نو پایین آورد و سرپوش مرا بیاورد و صورتم را بشست. آنگاه مرا کشید و برد و چون به نزدیک در رسیدم مرا نگهداشت تا کمی آرام شدم. آنگاه به درون رفت. پیمبر خدا در اتاق ما بر تختی نشسته بود.

او گوید: و مرا کنار او نشانید و گفت: این خانواده تو است. خدا آنها را به تو مبارک کند و ترا به آنها مبارک کند. و مردم و زنان برفتند...

آیا این اشخاص نیز دروغ می گویند؟

عروه بن زبیر به عبد الملک بن مروان چنین نوشت: درباره خدیجه دختر خویلد از من پرسیده بود که چه وقت درگذشت؟ وفات وی سه سال یا نزدیک به سه سال پیش از هجرت پیمبر بود و پس از وفات

خدیجه، عایشه را عقد کرد، پیمبر دوبار عایشه را دیده بود و به او می گفتند این زن توست. عایشه آن وقت شش سال داشت. هنگامی که پیمبر به مدینه هجرت کرد با عایشه زفاف کرد و هنگام زفاف عایشه نه سال داشت

هشام بن محمد گوید: ... پیمبر عایشه را عقد کرد و آن وقت هفت ساله بود و پس از هجرت مدینه در ماه شوال با وی زفاف کرد، آن وقت عایشه نه ساله بود و چون پیامبر درگذشت هیجده ساله بود. زن دوشیزه بی جز عایشه نگرفت.

در صحیح مسلم، باب دهم (به ازدواج درآوردن دختر صغیر از جانب پدر)، چنین بیان شده است: عایشه گفت رسول خدا با من ازدواج کرد و من دختری شش ساله بودم. با من زفاف کرد و من دختری نه ساله بودم... وقتی پیامبر وفات کرد من هیجده ساله بودم. (حدیث ۱۴۲۲ صحیح مسلم)

از سفیان، از هشام بن عروه روایت است که عروه گفت: پیمبر با عایشه ازدواج کرد و او دختری شش ساله بود و با او زفاف کرد و او دختری نه ساله بود و عایشه نه سال نزد آن حضرت بود. (حدیث ۵۱۵۸ صحیح بخاری)

در جلد ۶ کتاب صحیح بخاری، باب ۱۱ عنوانش است: ازدواج خوردسال با بزرگسال، از عروه روایت است که گفت: همانا پیمبر ص عایشه را از ابوبکر خواستگاری کرد ابوبکر به او گفت: من برادری تو می باشم. آن حضرت گفت: تو در دین خدا و کتاب او برادرم می باشی و او عایشه بر من حلال است.

در جلد چهارم صحیح مسلم در کتاب فضایل، باب سیزدهم به گونه کامل در مورد فضایل عایشه صدیقه است که نشان می دهد او در میان اهل تسنن جایگاه بلند دارد. از نظر اهل سنت او دروغگو نیست.

اهل سنت نیک می دانند که حدیث های که از محمد پیامبر اسلام روایت شده است و در کتب صحاح سته جمع آوری شده است به عنوان صحیح ترین کتاب ها در نزد اهل سنت پذیرفته شده است. این کتاب ها در تمام مدرسه ها و دانشگاه های اسلامی به عنوان کتاب های درسی و شرعی درس داده می شود.

بدون این کتاب ها قرآن هم معنا ندارد. آنان میدانند که حدیث دومین منبع حقوق اسلامی پس از آیات قرآن است؛ آنان میدانند که انکار از احادیث به معنی انکار از آیات قرآن نیز هست، ولی وقتی که به غیر انسانی و غیر اخلاقی بودن این احادیث رو به رو می شود، حتا به تهمت زدن و دروغگو نامیدن عایشه ام المومنین و صحابه دیگر نیز مبادرت می ورزند تا اسلام را از خطا و نادرستی هایش برهانند.

این تهمت دروغ به عایشه ام المومنین از نظر آنان زیانش به اسلام کمتر از دروغ دانستن آیات و احادیث است.

اما نباید از یاد برد که دروغ بستن ها به عایشه از سوی اهل تشیع صورت گرفته است. جناب فرید یونس اگر تقیه نکند نیک می داند که اهل تسنن معتقدند عایشه در شش یا هفت سالگی با پیامبر ازدواج نموده و در نه سالگی با او زفاف کرد.

نویسنده آن مقاله که ایشان فرستاده اند، نیز از منابع اهل تشیع استفاده کرده است ولی آن منابع برای برای سنی های اصیل اهمیت ندارد.

در حالیکه اهل تسنن احادیث اهل تشیع را قبول ندارند و اهل تشیع احادیث اهل تسنن را نمی پذیرند، اما آقای فرید یونس که خودش از اهل تسنن است، سخنان اهل تشیع را در باره عایشه با کمال خوشی قبول کرده است.

آیا او از اتهام های دیگر اهل تشیع درباره عایشه هم خیردارد یا نه؟

فکر می کنم که آقای یونس خوب می داند که تشیع اتهام های دیگر را نیز به عایشه وارد کرده اند، که حتمن قبول ندارد. اما ازینکه سن عایشه به وفق مرادش است آن را می پذیرد. با کمی جستجو و تجسس در گوگل تمام این اتهام ها را می توان یافت.

روایت های عایشه در میان اهل تسنن آن قدر جایگه بلند دارد که صفت صدیقه (راستگو) همیشه پس از نامش ذکر می شود. همچنان پدرش به صفت صدیق یاد می شود. مسلمانان سنی دایم عایشه را به نام عایشه صدیقه و ابوبکر را به نام ابوبکر صدیق (راستگو) یاد می کنند.

اما ملاحی مالیه کث برای نجات اسلام، حدیثی را که در آن از سن عایشه از زبان خودش در زمان ازدواج با محمد بیان شده است بر اساس روایت های اهل تشیع به آسانی نادرست می داند که در عمل معنای دروغگو بودن عایشه است.

آیه چهارم سوره طلاق نشان میدهد که الله هم ازدواج زیر سن را مطابق فرهنگ دوران جاهلیت منع نکرده است.

من درین جا نکاتی از دیدگاه اهل سنت ایران که یقیناً در رابطه با اتهامات اهل تشیع درباره عایشه گفته شده است بیان می کنم.

«حضرت بی بی عایشه صدیقه ان همسر محبوب رسول اکرم (ص) میباشد که در باره عفت و پاک دامنی و طهارتش آیات قرآن به رسول اکرم (ص) نازل شده است. حضرت بی بی عایشه (رض) آن بی بی دانشمند و فرزانه جهان اسلام میباشد که با دانش و فراست و روایات عالمانه اش از رسول اکرم (ص) جهان اسلام را منور با نور علم و عرفان منور گردانیده حضرت بی بی عایشه صدیقه (رض) ان شخصیت اعظمی میباشد که ..تعداد زیادی از اصحاب کرم و تابعین کرام در علم حدیث شریف شاگردی اش را حاصل نموده اند».

«از حضرت ابو موسی اشعری (رض) روایت است که آنحضرت (ص) فرمودند : از جمله مردها به درجه کمال زیاد مردم رسیده اند، اما در زنان فقط مریم بنت عمران و زوجه فرعون حضرت آسیه به کمال رسیده اند، و فضیلت حضرت عائشه (رض) به همه زنان چنین است مانند ترید که بر همه طعام ها افضل و اعلى است».(رواه بخاری و مسلم).

«شما در این حدیث شریف مطالعه نمودید که اصحاب رسول الله (ص) بخاطر حل مشکل مسائل علمی به نزد بی بی عائشه صدیقه رفته و آن عالمه بزرگوار مسائل علمی آنها را حل مینمود، اما جاهلان آخر زمان بالای چنین شخصیت اعظم الشان اعتراض نموده و او را اینطور معرفی مینمایند گویا دین رسول الله (ص) را تغییر میداد. و این بی ادبان بالای آن بی بی بزرگوار اعتراض مینمایند که جبرئیل امین برای او بواسطه رسول الله (ص) سلام میگفت».

«از حضرت عائشه (رض) روایت است که آنحضرت (ص) فرمود : ای عائشه! این جبرئیل است و بر تو سلام میگوید، من عرض نمودم که : و علیه السلام و رحمة الله،(یعنی بر او سلام و رحمت خداوند باشد )) بعداً حضرت عائشه میفرماید که : آنحضرت (ص) چیزی را میداد که ما آنرا نمی دیدیم».(رواه البخاری و مسلم)

از دیدگاه اهل تسنن «ام المؤمنین بی بی عائشه صدیقه (رض) آن شخصیت بزرگوار و پاک طینتی میباشد که رسول الله (ص) آخرین نفس های پاک خود را در نزد این بی بی و سر به زانوی این بی بی بزرگوار تنفس نموده و جان را به جان آفرین سپرد. حضرت بی بی عائشه صدیقه (رض) آن مادر مؤمنان میباشد که رسول اکرم (ص) دستور میدهد که : نیم علم را از این بی بی بزرگوار (حمیرا) حاصل نمایید. و بی بی عائشه صدیقه (رض) آن فرزانه زنی میباشد که صدها صحابه کرام از آن محترمه علم دین را آموخته اند، و حضرت بی بی عائشه صدیقه (رض) آن شخصیت عظیم الشان میباشد که در قرآن عظیم الشان آیه به تأیید پاک و عفت او از جانب خداوند تبارک و تعالی به رسول الله (ص) نازل شده است، که در تمام تفاسیر قرآن عظیم الشان تفسیر آن واقعه قرآنی موجود میباشد، کسانیکه با این بی بی بزرگوار

بغض و عداوت میکنند و این بی بی عظیم الشان را بد و رد میگویند جز این نیست که خود را در صف منافقین شامل نموده و عذاب سوزان خداوند را در دنیا و آخرت کمائی می نمایند».

در پایان می گویم که من دایه مهربان تر از مادر برای عایشه نیستم، من منتقد آیات و احادیث اسلامی ام. آیاتی که نویسنده آن کس یا کسانی بوده اند که دانای و توانای نداشته اند تا هنجار های اخلاقی اعراب را تغییر دهند، و نویسنده قرآن نتوانسته است بیشتر از آنچه در فرهنگ و جامعه عرب وجود داشته، برای آنان به ارمغان آورد.

هزار و چهار صد سال است که بر اساس همین روایات مردم ما در جهل و نادانی گیر مانده اند و هنوز هم فکر می کنند، آنچه در قرآن است کلام خداست. من دلم به آن دخترانی می سوزد که بر اساس همین آیه ها و حدیث ها و فرهنگ جاهلی تازیان به زیر مردان کودک آزار و کودک همسر آزار می بینند و حتا زندگی خود را از دست می دهند. من دلم به آن دختران وطنم می سوزد که از آموزش و کار محروم اند زیرا اسلام ناب محمدی چنین فرموده است.

بسیاری ها اسلام را دین کامل می دانند و هنوز هم فکر می کنند که دین اسلام عیبی ندارد و عیب از مسلمانی ماست. در حالی اسلام پر است از عیب و خطا هاست. کودک همسری یکی از نمونه های آن و سنت پیامبر است.

بنگرید:

[wikifeqh.ir](http://wikifeqh.ir) (عایشه) منابع اهل سنت (- ویکی فقه)

[حضرت عایشه صدیقه «رضی الله عنها»؛ مادر مؤمنان جهان - سنت آنلاین | سنت آنلاین \(sunnatonline.org\)](http://sunnatonline.org)

[سنی آنلاین \(sunnionline.us\)](http://sunnionline.us)